

عنوان مقاله:

حکم، گزاره و جمله-نشانه از کانت تا هوسرل

محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 12، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

محمد شفیعی - دانشگاه شهید بهشتی

احمد علی اکبر مسگری - دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

در این مقاله به تبارشناسی مفاهیم حکم، گزاره و جمله-نشانه و نحوه موضوعیت یابی آنها در منطق در خلال دو جریان اصلی مطالعات منطقی در قرن نوزدهم میلادی می پردازیم. این دو جریان را می توان سنت جبری، که منطق را نوعی از جبر و حساب قلمداد می کند، و سنت نظریه استنتاجی، که استنتاج را جدا از جبر و بنیادی تر از آن می داند، نامید. ما در این مقاله از کانت آغاز می کنیم که تلاش او برای تفکیک منطق از متافیزیک نقش عمده ای بر هر دو جریان داشته است و همچنین پژوهش های او در مورد حکم و انواع آن را می توان نقطه شروع نظریه سنت استنتاجی دانست. نشان می دهیم که چگونه در یک سنت منطقی مفهوم حکم و در قدم بعدی گزاره مفاهیم مرکزی منطق قلمداد می شوند و در سنتی دیگر مفهوم جمله و به تبع آن مفهوم فرمول درست ساخت و قواعد معطوف به آن محور مطالعات منطقی را شکل می دهد. سیر این تحولات را درآرای کانت، بولتزانو، بول و فرگه پی خواهیم گرفت و نهایتاً به تحلیل دیدگاه پدیده شناسانه هوسرل از ماهیت مفاهیم مذکور و نسبت آنان با منطق خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی:

حکم-گزاره-منطق-کانت-بولتزانو-بول-فرگه-هوسرل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1269389>

